

گوهر مراد: حکمت الهی (قسمت اول)

انسان کامل

Ghohar Morad: Theosophy (Part One)

Ensan-e-Kamel: Perfect Man

محمدتقی دلخوش
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

- گوهر مراد
- عبدالرزاق لاهیجی
- با تصحیح و تحقیق مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (ع)
- نشر سایه
- ۱۳۸۳، ۷۵۶ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه، بها ۱۴۰۰۰۰ ریال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ يَسِّرْ وَ تَمِّمْ بِالْخَيْرِ

«و ضرورت‌ترین دانش‌ها شناختن خود است و بازگشت خود و شناختن پروردگار خود و شناختن فرمان پروردگار خود است و مجموع این دانش‌هاست که علمای متکلمین، اصول دین خوانند و حکمای محققین، حکمت الهی گویند و صوفیه موحدین، معرفت نام نهادند. و به اتفاق علما و دانشمندان عقلا بدون این مایه دانش و عمل نمودن به موجب آن رستگاری ممکن نیست. . . بیشتر منسوبان علم در زمان ما و همچنین در اکثر زمانهای سابق، . . . از حصول قدر ضروری از دانش . . . محرومند. . . و غایات علوم را چنانکه هست تصور نکنند و فایده آن را منحصر در تحصیل مال و جاه و اعتبارات دنیوی دانند. . . و مشاهده این شیوه بسا که ازکیا را موجب نفرت از توجّه به طلب علم شده، باعث یأس کلی از سعادت حقیقی گردیده باشد. . . رساله‌ای در باب تحصیل اصول دین و حصول معارف الهی بر وجه یقین که از مطالعه آن بی‌زحمت تعلم بسیاری از اصطلاحات ارباب مجادلات، . . . پی به مقصود حقیقی توان برد و راه تحصیل سعادت به قدم ملاحظه آن توان سپرد. . . این رساله را موسوم به گوهر مراد نمودم.»

آنچه آمد، عبارتهای برگرفته از مقدمه‌ای است در بیان غرض از تألیف کتاب «گوهر مراد» عبدالرزاق لاهیجی که با کوشش مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (ع) تصحیح و تنقیح شده و توسط نشر سایه در ۷۵۶ صفحه در نوبت اول به چاپ رسیده است.

مروری بر اثر

کتاب شامل یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه است. مقدمه آن در سه مطلب فراهم آمده که اشاره به مرتبه وجود انسان،

نمودن راه خدا به راه ظاهر و باطن، و فایده علم کلام و حکمت، مطالب آن می‌باشد. مقاله اولی که موضوع آن علم خود-شناسی است، در دو باب بیان شده. باب اول در بیان حقیقت جسم است، که در یازده فصل گرد آمده. باب دوم در بیان روح است، که در نه فصل پی گرفته شده. مقاله دوم در علم خداشناسی است؛ در سه باب. باب اول در اثبات واجب‌الوجود و بیان توحید، مذکور در هفت فصل، باب دوم در بیان صفات واجب‌الوجود، مذکور در شش فصل و باب سوم که در آن به موضوع افعال واجب‌الوجود پرداخته شده، در پانزده فصل آمده است. مقاله سوم که به موضوع شناخت فرمان خدا اختصاص یافته، مشتمل بر چهار باب است: در تکلیف، در نبوت، در امامت، و در معاد. که باب اول (در تکلیف) در پنج فصل، باب دوم (در نبوت) در بیست و یک فصل، باب سوم (در امامت) در دوازده فصل، و باب چهارم (در معاد) در ده فصل تألیف شده‌اند. خاتمه کتاب به قصد بیان تهذیب اخلاق و طریقه محققین، یعنی شرح سلوک راه باطن است.

افزون بر آنچه آمد، کتاب واجد مقدمه‌ای است فاضلانه از زین العابدین قربانی در شناساندن حکیم لاهیجی و عظمت کتاب گوهر مراد و پیشگفتار مؤلف در بیان غرض از تألیف کتاب است. همچنین، توضیحات مفیدی از علی ربانی گلیپاگانی به پایان کتاب منضم شده است.

مرتب لاهیجی و کتاب گوهر مراد

حکیم عبدالرزاق بن علی بن حسین لاهیجی (متوفی به سال ۱۰۷۲ ه.ق.) عالم، متکلم و عارف برجسته شیعی ایرانی است. زمان و مکان تولدش نامشخص است. در اوایل عمر به شهر مقدس قم آمد و در مدرسه معصومه (س) مدرس کلام و فلسفه بود. از شاگردان ممتاز ملاصدرای شیرازی بود که سپس به دامادی وی نیز مفتخر شد. بزرگان از مقام والای علمی وی تجلیل کرده‌اند، برای نمونه: استاد سید جلال الدین آشتیانی مقام وی را چنین ارج گذارده:

«یکی از اساتید بزرگ فلسفه و حکمت و کلام در دوران اخیر فیلسوف علامه و حکیم متأله آخوند ملاعبد الرزاق لاهیجی است که از اعظام تلامذ آخوند ملاصدرا و از اجله محققان عصر خود در حکمت مشاء و اشراق و یکی از بزرگترین متکلمان در چهار قرن اخیر بلکه یکی از محققترین متکلمان در دوره اسلامی می‌باشد... در بین محققان بعد از خواجه به جز ملاصدرا و میرداماد به عقیده نگارنده نظیر ندارد ولی همانگونه که استاد ما آقای میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی فرموده است: مقامات و مراتب علمی و قدر این فیلسوف مخفی مانده است.»

از وی حدود پانزده اثر به جا مانده که مهمترین و جامعترین آن کتاب «گوهر مراد» است، که عصاره و چکیده مباحث کلام، حکمت، اخلاق و عرفان دوره اسلامی تا زمان وی است.

آخرین منزلگاه

بررسی حرکت اندیشه علمای اسلامی در رابطه با خلق و خو، نخست با طرح آرای غزالی (بررسی کتاب در شماره‌های ۲۲، ۲۳، ۲۴ این فصلنامه)، که پیشگام مفهوم‌پردازی مؤلفه‌های خلقی از خلال طرح مباحث اخلاقی است، آغاز شد. سپس در میانه، نظریه قوا که خواجه نصیر (بررسی کتاب در شماره‌های ۲۵ و ۲۶ این فصلنامه)، از خلال مرور اثر ابوعلی مسکویه

پس از دو قرن، آن را شرح می‌دهد، برجسته شد. حال، کتاب گوهر مراد به منزلهٔ سومین منزلگاه یا به تعبیری آخرین منزلگاه آرای روان‌شناسی شخصیت اندیشمندان مسلمان (از خلال طرح معنای نفس و مباحث اخلاقی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. چهار قرن پس از کتاب اخلاق ناصری کتاب گوهر مراد، مجموعه جامعی از مباحث اصول دین است؛ از علم خودشناسی و خداشناسی تا امامت و معاد، که با بحث تهذیب اخلاق خاتمه می‌یابد. برای تحلیل و بررسی روان‌شناختی، آنچه مناسب و شایسته می‌باشد، موضوع علم/نفس است، که در سه مطلب مقدمه (مراتب وجود انسان) و به ویژه باب دوم از مقالهٔ اول (علم خودشناسی: در بیان روح) آمده، و همچنین بحث فضایل و رذایل (فهرستی از رگه‌های خلقی) است، که در خاتمه (سلوک راه باطن: مقصد اول: تهذیب اخلاق) بیان شده است.

شرح مختصر اثر

انسان کامل

لایه‌جی بحث خود را با اشاره به مرتبهٔ وجود انسان آغاز می‌کند. که جوهری ویژه دارد که محسوس نیست، بلکه معقول است، که در عرف شرع از آن به روح و در عرف حکمت از آن به نفس ناطقه تعبیر نمایند. و دو نوع ادراک برای آن قائل است: یکی ادراک جزئی (حواس) و نوع دوم ادراک کلی، که معادل آن تعقل و نطق است. و از این جهت نفس را عقل نیز گویند. و از آن دو اراده: ارادهٔ عقلی و ارادهٔ غیر عقلی. و دو نوع قوت: قوت نظریه و عقل نظری، قوت عملیه و عقل عملی و دو نوع حکمت: حکمت نظری و عملی؛ را استنتاج می‌کند.

معانی عقل و نفس را در مباحث دیگر پی می‌گیرد؛ در شرح گونه‌های جوهر: عقل جوهری است مجرد از ماده هم به حسب ذات و هم به حسب فعل. و نفس جوهری است مجرد به حسب ذات نه به حسب فعل. . . مثالش روح انسانی.

در بیان روح که همان نفس ناطقه است می‌گوید: انسان در حقیقت نفس ناطقه است، چه لفظاً آن‌ها لامحاله اشاره به خود باشد انسان را، . . . پس انسان غیر بدن و اجزاء بدن باشد. در اثبات وجود روح متوسل می‌شود به این استدلال که ادراکی از خود که وابسته به حواس نیست و در انسان تغییر نمی‌کند (خودی خود: هویت). و تجرد نفس ناطقه را بر اساس قابلیت تصور مفهوم کلی بیان می‌کند. پس نفس ناطقه مجرد باشد.

علم نفس ناطقه به ما سوای خود را دو گونه می‌داند: علم به جزئیات مادی، که آن را ادراک خوانند؛ که احساس و توهم از این نوعند. و یکی دیگر علم به معقولات، که این قسم علم را نطق و تعقل خوانند. قوت‌های نفس ناطقه را بین قوای حیوانیه و نباتیه تقسیم می‌کند. حیوانیه خود دو گونه است: مدرکه و محرکه. مدرکه شامل ده قوت است: پنج در ظاهر: باصره، سامعه، شامه، ذائقه، و لامسه و پنج در باطن: حس مشترک، خیال، وهم، حافظه، متخیله. و قوه محرکه منقسم می‌شود به: باعثه (که به آن شوقیه هم گویند) و فاعله. و اما صنف دوم از قوا قوای نباتیه (که به آن طبیعیّه هم گویند) است که اصول این قوا سه است: غاذیه و نامیه (این دو برای بقای خود) و مولده (برای بقای نوع).

قوای بیان شده مشترک است بین انسان و غیرانسان، اما انسان دو قوت ویژه خود دارد که به او امکان می‌دهد ادراک معقولات کند، که پیشتر نیز بدان اشاره شد: قوت نظریه و عقل نظری و قوهٔ عملیه و عقل عملی. طرح این قوا اساس بحث

در مراتب نفس ناطقه است. اینگونه به بیان مطلب می‌پردازد: نفس در جمیع ادراکات محتاج باشد به ماده . . . پس نفس پیش از تعلق به بدن نه فاعل تواند بود و نه عاقل . . . نفس را در این مرتبه عقل هیولانی گویند . . . نفس در مرتبه‌ای که علوم ضروریه وی را حاصل شده باشد، اما هنوز از علوم نظریه چیزی حاصل نکرده . . . نفس را در این مرتبه عقل بالملکه گویند . . . و چون نفس تحصیل نظریات کند . . . نفس را در این مرتبه عقل بالفعل گویند . . . و چون به مرتبه‌ای رسد که همه معقولات مشاهد نفس باشند بی‌هیچگونه حجابی . . . نفس را در این مرتبه عقل بالمستفاد گویند.

پس نفس را در تحصیل کمال قوه نظری چهار مرتبه باشد: یکی نفس کمال و آن عقل مستفاد بود؛ و سه دیگر استعداد کمال . . . این بود مراتب استکمال نفس به حسب قوه نظری.

و اما مراتب قوه عملی آن نیز چهار است: اول تهذیب ظاهر و آن حاصل شود به استعمال شرایع الهی . . . دوم تهذیب باطن از ملکات ردیه و اخلاق ذمیمه و آراسته شدن به شمیم حسنه و صفات کریمه . . . سوم ملکه کردن اتصال به عالم ملکوت . . . چهارم مقصور گردانیدن نظر را بعد از حصول ملکه اتصال بر ملاحظه عظمت و جلال الهی و مطالعه انوار جمال ربّانی . . . و چون انسان آراسته شد به دو کمال نظری و عملی، انسان کامل عبارت از آن باشد و این مرتبه؛ اعنی جمع بین الکمالین است که حکمای الهیین سعادت حقیقی خوانند، و این است بهشت حقیقی و جنت عدن که برای متّقین مهیا شده.